



## نقد و نظری بر کتاب

# دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی

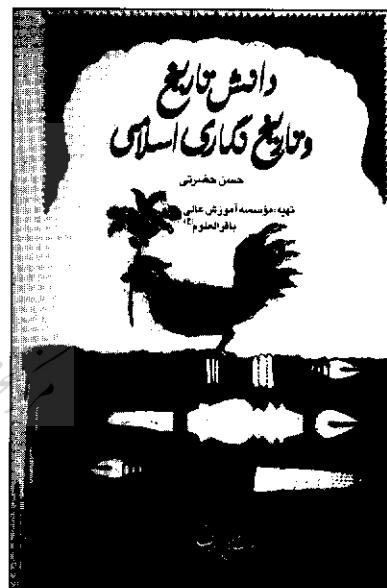
• محمد مروار

دکتر عزت الله رادمنش  
مکتب تاریخی قرآن را  
مکتب اصالت عمل  
معرفی کرده و به نقد  
نگرش های تاریخی  
غیرقرآنی  
پرداخته است

دیگر این که مورخان مسلمان تازمان معاصر نیز به سنت‌گرایی خود  
ادامه داده و نگرش جدیدی که این خلدون و اروپاییان به تاریخ  
داشته‌اند را پی نگرفته‌اند. مؤلف خاطرنشان می‌سازد که تعدادی  
اندیشمندان مسلمان عرب از جمله: نصر حامد ابوزید، رضوان السید،  
وجیه الکوثرانی و... سعی دارند تحلیلی جامعه‌شاختی از تحولات  
تاریخ اسلام به دست داده و تاریخ را به عنوان دانشی مستقل مطرح  
سازند.

مقاله نخست این مجموعه با عنوان مکتب تاریخی قرآن، به قلم  
دکتر عزت الله رادمنش نگاشته شده است که در واقع خلاصه‌ای از  
کتاب مکتب‌های تاریخی و تجدیدگرایی تاریخ، اثر همین مؤلف است.<sup>۱</sup>  
نویسنده محترم در این مقاله ضمن بررسی اندیشه تاریخی در قرآن،  
آن را در مقامی بالاتر از دیگر مکاتب تاریخی، که به بحث درباره  
انسان و هستی می‌پردازند، قرار داده و به بررسی هریک از این  
برتری‌ها پرداخته است. از جمله ویژگی‌های مکتب تاریخی قرآن  
تسامح قرآن در تاریخ‌نگاری است که موضوعی بالاتراز ناسیونالیسم،  
دیکتاتوری، نژادپرستی، بورژوازی، سرمایه‌داری و تحزب داشته و  
دارد. مؤلف بی‌غرضی و بی‌نظری تاریخی قرآن را ملاک علمی بودن  
آن برمی‌شمارد. همچنین جامعیت و کلی نگری و انتخاب‌گری را به  
عنوان یکی از ارکان بارز تاریخ‌نگاری قرآنی مورد بررسی قرار  
می‌دهد.<sup>۲</sup> روش تاریخ‌نگاری قرآنی را برپایه انسان محوری می‌داند  
و به ذکر نمونه‌های متعدد قرآنی در این باره می‌پردازد. نویسنده  
مکتب تاریخی قرآن را مکتب اصالت عمل معرفی کرده و به نقد  
نگرش‌های تاریخی غیرقرآنی پرداخته است. از مباحثت بارز این  
نوشته، مبحث فلسفه تاریخ در قرآن است که متأسفانه بسیار خلاصه  
ذکر شده است. نیز بررسی دیدگاه‌های نوگرایانه قرآن درباره تاریخ<sup>۳</sup> و  
تفسیر شیوه تاریخ‌نگاری سوره صافات<sup>۴</sup> در نوع خود جالب توجه  
است.

در مقاله دوم، با عنوان نقش نقل و روایت شفاهی در تکوین  
تاریخ‌نگاری اسلامی، آقای روح الله بهرامی به بررسی نقش روایت



■ دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی

■ گردآورنده: حسن حضرتی

■ ناشر: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات

اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۲

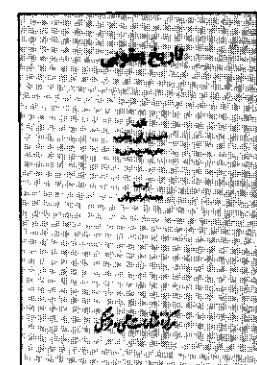
این کتاب شامل یک مقدمه و دیباچه و شانزده مقاله تحقیقی  
درباره دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی است که به قلم محققان تاریخ  
اسلام نگاشته شده و توسط آقای حسن حضرتی گردآوری شده است.  
آقای حضرتی در دیباچه خود بر کتاب به بررسی اهمیت علم  
تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی و اهمیت تحولات تاریخی در اسلوب  
تاریخ‌نگاری اسلامی – ایرانی می‌پردازد. وی علت عدم توجه به علم  
تاریخ و تاریخ‌نگاری را ناشی از دو عامل ذکر می‌کند: تاخته این که  
در تاریخ تمدن اسلامی، تاریخ به عنوان علم شناخته نشده است و

## بیشتر آثار مورخان فاطمی در دوره ایوبیان و ممالیک از بین رفته و اطلاعات به دست آمده در مورد فاطمیان بیشتر توسط مورخان غیر اسماعیلی اهل تسنن و در قالب تاریخ نگاری سلسله‌ای، محلی و تاریخ عمومی نگاشته شده است که آنها نیز همواره نظری مغرضانه نسبت به فاطمیان داشته‌اند

به کارگیری هم زمان نظریه‌های علوم اجتماعی و انسانی و توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد تاریخی یک سرزمین در تحقیقات تاریخی تأکید دارد. به این معنی که نمی‌توان پذیده‌های تاریخی جوامع مختلف را با استناد به یک نظریه مشترک مورد بررسی قرار داد، زیرا این امر منجر به خروج پژوهشگران حیطه پژوهشی تاریخی و روشن مناسب مورخانه خواهد شد و نوعی تحصیل حاصل صورت می‌گیرد. در مقاله چهارم با عنوان جایگاه علم تاریخ در اسلام، آقای محمد حسین جمشیدی ضمن بررسی نگاه اسلام و قرآن به تاریخ به عنوان یک معرفت و دانش بشری، جایگاه تاریخ را در اسلام، قرآن و حدیث مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این باره سؤالاتی را مطرح می‌سازد و در ادامه در صدد پاسخگویی به هریک از این سؤالات بررسی آید. نویسنده در ابتدا تعریف‌های متعددی، به ویژه در اسلام، از تاریخ و علم تاریخ به دست می‌دهد و تاریخ را متشکل از سه عنصر سازنده «حد و مرز»، «ساختم و بستر» و «زمان و آگاهی» می‌داند. نویسنده معتقد است که طرح تاریخ به مثابه یک معرفت بشری در اسلام بسیار مقدمت‌بر غرب بوده است. چنان‌که در متون اسلامی قرآن و حدیث، تاریخ به مثابه یک معرفت از همان ابتدا موردن توجه قرار گرفته، ولی در غرب این امر از اواخر قرن هجدهم اهمیت می‌یابد. در ادامه نیز اصطلاحات رایج در قرآن و حدیث درباره معرفت تاریخی مورد بررسی قرار گرفته و علل و عوامل پیدایش علم تاریخ در اسلام به اختصار تشریح شده است.

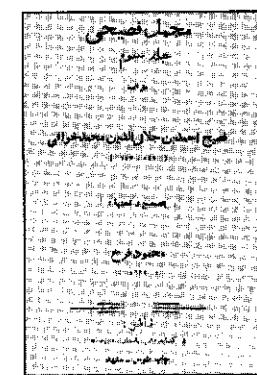
مقاله پنجم با عنوان امکان و اعتبار شناخت تاریخی، تلخیص و ترجمه قسمتی از فصل دوم کتاب شناخت گذشته نوشته آر.اف. اتکینسن است که به بررسی جایگاه علوم دقیقه در دوران ماقبل مدرن و دوران مدرن، و ویژگی‌های هریک از آنها می‌پردازد. در این مقاله که ترجمه آقای احمد گل محمدی است، پارادایم مشاهده مستقیم، عنصر اصلی علوم دقیقه به شمار آمده است. نویسنده مقاله در صدد کاهش تردید جدی در معنادار و درست بودن گزاره‌های مربوط به گذشته، به ویژه گزاره‌های واقعیت‌مند و منفرد تاریخی است و آنها را شرط لازم شناخت تاریخی می‌داند و برای این منظور و دفاع از امکان شناخت تاریخی، به نقد برداشت پارادایم مشاهده مستقیم از شناخت می‌پردازد و آن را به طور مستقیم مورد حمله قرار می‌دهد. در ادامه نیز به اهمیت نقش زمان اشاره دارد و نقش خاطره را به عنوان نوعی ارتباط مستقیم با گذشته یا جانشین مشاهده مستقیم، محدود و نه چندان مهم می‌داند و نقش آن را برای گزاره‌های مربوط به حال، گذشته و آینده یکسان تلقی می‌کند. از این‌رو، خطاطپذیری خاطره را دلیلی برای زیرسوال بردن اعتبار شناخت تاریخی و گزاره‌های مربوط به گذشته نمی‌داند. این مقاله

شفاهی در تاریخ نگاری اسلامی و روند این شیوه از دوران جاهلیت تا قرون چهارم هجری پرداخته است. همچنین در این مقاله جنبه‌های مختلف روایت شفاهی مانند حدیث، سیره، مغایزی، شعر جاهلی و مراحل تکوین و تحول آنها مورد بررسی قرار گرفته است. شاید بهتر بود به جای بررسی شیوه تاریخ نگاری مسعودی که به کرات در این کتاب به آن پرداخته شده، روش طبری در گرددآوری اطلاعات از منابع شفاهی، که نمونه قابل توجهی در مورد این شیوه تاریخ نگاری محسوب می‌شود، مورد بحث قرار می‌گرفت.



نویسنده در این مبحث روش‌های زبان‌شناسی نوام چامسکی<sup>۵</sup>، نظریه مکتب درون فهمی و تفہمی و هرمونتیکی<sup>۶</sup> و اهمیت آنها را در تاریخ نگاری مورد ارزیابی قرار داده است و نقش آنها را در نقد و بررسی متون و روایات مورخان قرن دوم و سوم هجری مؤثر می‌داند. وی روند سلطه گفتمان شفاهی عرب بر تاریخ نگاری اسلامی را به چند دوره مشخص تقسیم کرده است:

- ۱- عصر جاهلی عرب
- ۲- از بعثت تا پایان امویان
- ۳- از اوخر نیمه اول قرن دوم تا اولین قرن سوم
- ۴- قرن سوم و چهارم هجری<sup>۷</sup>

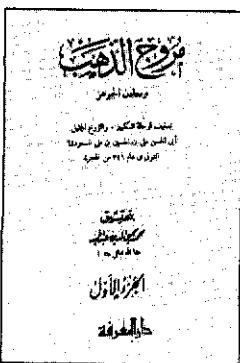
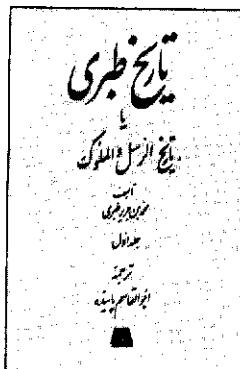


سپس به بررسی هریک از این دوره‌ها و عوامل تأثیرگذار بر آنها می‌پردازد. نویسنده قرن سوم را نقطه عطفی در تاریخ نگاری اسلامی می‌داند که در آن شیوه‌های تاریخ نگاری جدیدی پدید آمد و افق‌های جدیدی بر تاریخ نگاری مسلمانان گشوده شد. این امر سبب گرایش مسلمانان به عقل‌گرایی در حوزه‌های معرفت تاریخ نگاری گردید.

نویسنده در پایان مقاله به بررسی اسباب و علل تحول و توسعه منابع شفاهی تاریخ نگاری مسلمانان در این دوره و کاربرد آن در تاریخ نگاری و نقش و روش دوتن از مورخان بزرگ اسلامی، محمد بن جویر طبری و ابوالحسن مسعودی می‌پردازد.

مقاله سوم این مجموعه با عنوان تاریخ، مورخ و نظریه؛ طرح مقدماتی یک دیدگاه، یکی از نوشتۀ‌های درخور توجه است که حاوی نوآوری در نگارش مقالات مربوط به حیطه تاریخ نگاری است. مقاله با وجود اختصار و ایجاز، به یکی از مهمترین مسائل مطروحه در تاریخ نگاری کلاسیک و جدید، یعنی بحث چارچوب نظری مسائل تاریخی و دیدگاه انتقادی تاریخ نگاری کلاسیک در این مورد می‌پردازد. همچنین از لزوم وجود چارچوب نظری و دخل و تصرف مورخ در بیان آفرینی و قایع تاریخی دفاع می‌کند و نظریه متأفیزیک مدرنیته هایدگر<sup>۸</sup> را به عنوان تأییدی بر این مسئله مثال می‌آورد. دکتر اکبری بر این‌basis دو سویه متن تاریخی و مورخ اشاره داشته و بر

**آقای روح الله بهرامی قرن سوم را نقطه عطفی در تاریخ نگاری اسلامی می داند که در آن  
شیوه های تاریخ نگاری جدیدی پدید آمد و افق های جدیدی بر تاریخ نگاری مسلمانان گشوده  
شد که سبب گرایش مسلمانان به عقل گرایی در حوزه های معرفت تاریخی گردید**



تاریخ نگاری اعراب پیش از اسلام و داستان ها و ایام العرب را عناصر اصلی تاریخی عهد جاهلیت اعراب می داند. نویسنده تاریخیت اسلام، نیازهای اندیشه ای (فکری و روانی)، نیازهای کاربردی و روزمره و عواملی دیگر مانند تأسیس تقویم هجری، اهمیت انساب، تشویق خلفا، حرکت نهضت شعبی و پیدایش کاغذ را از عوامل اولیه رویکردیه تاریخ در دوره اسلامی می داند.

در مقاله این اثر با عنوان سهم و نقش مورخان شیعه در تاریخ نگاری اسلامی، خانم جان احمدی یکی از ابعاد تاریخ نگاری اسلامی را در قالب نقش شیعیان مورد بررسی قرار داده و نیاز معرفتی به سیره رسول خدا (ص) و صحابه ایشان و آشنایی با راهبردهای حکومتی آنان را سبب تقویت انگیزه مسلمانان برای اهتمام به تاریخ می داند. در این مقاله نقش مورخان شیعی در تاریخ نگاری اسلامی در زمینه های سیره، انساب، تاریخ عمومی، مغاری، شرح مقتل و فتن و ملاحم مورد بررسی قرار گرفته و افراد سرشناس در هر زمینه تا قرن چهارم هجری به تفکیک براساس اوضاع و مشکلات سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی تبلیغاتی رود رورو آنها بررسی شده اند.

در مقاله، زیست نامه، آثار و گفتمان فرهنگی در تاریخ نگاری یعقوبی، جا داشته که محقق ارجمند به جای اطاله کلام و پرداختن به زندگی نامه و آثار یعقوبی که در اکثر تواریخ اسلامی کمابیش به آن پرداخته شده است، جنبه های دیگری را مورد توجه قرار می داند. در مورد عنوان مقاله نیز به کاربردن واژه «زیست نامه» به جای «زندگی نامه» غریب به نظر می رسد. در عین حال پرداختن به گفتمان فرهنگی تاریخ نگاری یعقوبی از جنبه های مثبت این مقاله محسوب می شود، به ویژه بررسی تأثیر اندیشمندان غرب و جهان باستان، خاصه هندیان در تاریخ یعقوبی قبل سیاستیش است. آقای چهارمیان فرموده است که به تحقیق میدانی<sup>۱</sup> روى آورده و به ابتکار و نوآوری در ایجاد پیوند و رابطه بین دو حوزه از دانش های اسلامی (جغرافیا و تاریخ) دست زده است. همچنین توجه خاص یعقوبی به تاریخ اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اوضاع جغرافیایی و جهان نگری را نشان دهنده بینش فکری عمیق یعقوبی می داند. نویسنده تاریخ یعقوبی را نخستین اثر تاریخ نگاری اسلامی به شمار می آورد که با رویکردی جهانی به تاریخ نگاشته شده است.

عنوان مقاله بعدی تاریخ نگاری نظامی در اسلام است. این مقاله ترجمه بخشی از فصل پنجم کتاب الفن العسکری الاسلامی، اصوله و مصادره تألیف دکتر یاسین سوید است که در سال ۱۴۱۱ قمری در بیروت به چاپ رسیده است. این مقاله به بررسی قوانین، اصول و

حاوی اطلاعات و دیدگاه های مناسبی درباره تاریخ نگاری است، اما در آن بحثی از تاریخ نگاری اسلامی به میان نیامده است. در مقاله ششم با عنوان تاریخ نگاری و تاریخ نگری در عصر امویان، آقای سید محمد طیبی به بررسی شیوه تاریخ نگاری امویان پرداخته و رویه امویان برای زدودن چهره واقعی اسلام اصیل را مورد توجه قرار داده است. همچنین «مکتب شام» را که از طریق توجه ویژه ایام العرب و علم انساب، جمل احادیث، حذف خاندان نبوت و امامت و صحابه، استفاده از اخبار و تاریخ ایران قبل از اسلام، مسیحیت و یهودیت در صدد خدشه دار نمودن چهره واقعی اسلام و تحکیم پایه های حکومت امویان بوده، مورد بررسی قرار داده است. نویسنده معاویه را بنیانگذار مکتب شام می داند و به بررسی شرح حال و آثار تعدادی از سیره نویسان و مورخان عصر اموی می پردازد. البته شاید بهتر بود علاوه بر بررسی تک تک این مورخان، آثار تعدادی از مورخان برجسته این دوره نیز به گونه ای دقیق و مفصل بررسی می شد.

از جمله مقالات ارزشمند و قابل توجه این مجموعه، مقاله درآمدی بر تاریخ نگاری فاطمیان نوشته آقای محمدعلی چلونگر است. وی تاریخ نگاری اسلامی را در حیطه حکومت فاطمیان مصر، از زمان استقرار آنها در مغرب حکومت اسلامی، از نگاه مورخان اسماعیلی و غیر اسماعیلی مورد بررسی قرار داده است. نویسنده علاقه مندی متکلمان و صاحب نظران فاطمی، بینش و اولویت خاص فاطمیان و توجه آنها به مسائل دینی، فلسفی و کلامی را از اصلی ترین دلایل عدم رشد تاریخ نگاری فاطمیان به شمار می آورد.<sup>۲</sup> همچنین تأکید دارد که این ضعف در اوایل تاریخ فاطمیان به علت فعالیت های پنهانی و فشارهای سیاسی و تناقض برخی تأییفات اسماعیلیان اولیه با عقاید آنها در زمان تشکیل خلافت، چشم گیرتر بوده است. نویسنده در ادامه به بررسی آثار قاضی نعمان (متوفی ۳۶۳ هـ. ق)، از مهم ترین مورخان فاطمی، و تأثیر وی بر تاریخ نگاری های بعدی می پردازد. نویسنده متذکر می شود که بیشتر آثار مورخان فاطمی در دوره ایوبیان و ممالیک از بین رفته و اطلاعات به دست آمده در مورد فاطمیان بیشتر توسط مورخان غیر اسماعیلی اهل تسنن و در غالب تاریخ نگاری سلسله ای، محلی و تاریخ عمومی نگاشته شده است، که آنها نیز همواره نظری مفرضانه نسبت به فاطمیان داشته اند.

بخش هشتم این مجموعه مقاله ای با عنوان تکوین تاریخ نگاری اسلامی، ترجمه بخشی از کتاب التاریخ العربی و المورخون، اثر مصطفی شاکر است. نویسنده مبحث خود را با ذکر شمه ای از تاریخ و تاریخ نگاری نزد اعراب قبل از اسلام آغاز می کند. شاکر کتبه ها، نقاشی ها و اخبار شفاهی را شیوه های

## التتبیه والاشراف

ازالحسن طیبی بن معمر

ابو القاسم علی بن ابی طالب

جلد دوم، هجری ۱۳۷۵

گرنتنکس

**دکتر اکبری بر رابطه  
دو سویه متن تاریخی و  
مورخ اشاره داشته و بر  
به کارگیری هم زمان  
نظريه های  
علوم اجتماعی و انسانی  
و توجه به ویژگی های  
منحصر به فرد تاریخی  
یک سرزمین در  
تحقیقات تاریخی  
تأکید دارد**

احکام جنگ در آثار مورخان اسلامی که مباحث نظامی تاریخ اسلام را مدنظر داشته اند، پرداخته است. تأکید نویسنده بر آثار مورخان اهل تسنن است، چنان که آثار امام شافعی را به تفصیل شرح و بسط می دهد. با وجود این که این مقاله اطلاعات زیادی درباره تاریخ نگاری نظامی در اختیار خواننده قرار می دهد، اما بیشتر به صورت گردآوری مطالب از منابع مختلف بوده و نویسنده کمتر به تحلیل مطالب پرداخته است.

در مقاله ای دیگر آقای محمد حسین منظور الاجداد به بررسی زندگی نامه، آثار و شیوه تاریخ نگاری مسعودی می پردازد. وی نقایص متعدد رباره زندگی و آثار مسعودی را نگیزه اصلی خویش در نگارش این مقاله ذکرمی کند. در این مقاله نویسنده تأکید خود را بر دو اثر به جا مانده از مسعودی، یعنی تتبیه الاشراف و مروج الذهب، قرار داده است و از طریق بررسی در این دو کتاب، به شیوه تاریخ نگاری مسعودی و نقاط ضعف و قوت او اشاره می نماید. متأسفانه در این مجموعه مقالات به کرات از مسعودی و شیوه تاریخ نگاری وی بحث شده و در این بین مطالب تکراری زیادی وجود دارد. جا دارد که ویراستار محترم در چاپ های بعدی این مسئله را مدنظر قرار دهد.

نویسنده مقاله در بحث از زندگی نامه مسعودی به این نتیجه می رسد که وی از اعقاب عبدالله بن مسعود، صحابی نامور پیامبری بوده و در محله مسعود ببغداد پرورش یافته است.<sup>۱۱</sup> در ادامه به شرح مسافرت های مسعودی پرداخته و ثمرة مسافرت های وی را چنین ذکرمی کند: جغرافیا و احوال ملل؛ شکل گیری نظریات ویژه در ذهن مسعودی؛ آگاهی بر اسرار اقوام و ملل و دست یابی به منابع نادر و کمیاب. او شیوه تاریخ نگاری مسعودی را «ترکیب مرجی از علوم و اخبار» می داند که از آن برای نگارش تاریخ باستان و دوره اسلامی استفاده می کرده است. دو ویژگی مهم آثار مسعودی را دارد وی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی می داند.

در مقاله گفتمان انتقادی در تاریخ نگاری مسعودی، آقای بهرامی مانند دیگر مقالات این مجموعه به دفعات به زندگی نامه مسعودی و بررسی ابعاد و ویژگی های شخصی، فکری، اجتماعی، علمی و روش گردآوری اطلاعات و منابع مورد استفاده او پرداخته است. نویسنده بینش تاریخی مسعودی را منحصر به فرد و فراتر از رویکردهای سیاسی و قایع نگارانه می داند که حوزه های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و... را نیز در بر می گیرد. از جنبه های مثبت این مقاله بررسی زمینه های ظهور بینش انتقادی و ماهیت تحول زمانه مسعودی و روش نقادانه او در برخورد با تاریخ و تاریخ نگاری است که تا قبل از وی کسی با این شیوه به تاریخ نپرداخته بود و بعد از وی نیز تا زمان این خلدون چنین رویکردی را شاهد نیستیم.

مقاله دیگر این اثر با عنوان مکتب تاریخ نگاری عراق؛ پیدایش و تحول، ترجمه قسمتی از کتاب بحث فی نشأة علم التاریخ عند العرب تألیف عزیزالدوری است. نویسنده مقاله به بررسی گرایش های اهل حدیث و گرایش عشیره ای در تاریخ نگاری اسلام و سابقه و روال آن

### پی نوشت ها:

۱. رادمنش، عزت الله، مکتب های تاریخی و تجدیدگرایی تاریخ، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی پیکستانه دانش، ۱۳۷۹.
۲. همان، صص ۱۷۲-۱۴۶.
۳. همان، ص ۳۰۳.
۴. همان، صص ۳۰۶-۳۰۴.
۵. حضرتی، حسن، دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، قم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۲.
۶. همان، ص ۵۵.
۷. همان، ص ۷۵.
۸. همان، ص ۱۰۸.
۹. همان، ص ۲۶۰.
۱۰. همان، ص ۲۹۶.
۱۱. همان، ص ۳۸۱.
۱۲. همان، ص ۴۸۸.